Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research.
Vol. 12, No. 1, Spring 2022, 77-106
DOI: 10.21859/priw-120104

US policies in contemporary Iranian political crises (with emphasis on the nationalization of the oil industry)

Mohamadhadi Mazaheritehrani[1], Jalil Nayebian[2], Mohamad Yosefijoybari[3]

Date of Received: 2021/11/18 **Date of Acceptance**:2022/03/10

Abstract

The importance of the Persian Gulf energy, as well as Iran's strategic and geopolitical importance in competing with the former Soviet :union:, America's main rival in the post-war world, made Iran the focus of US attention, and the Soviet :union: sought to weaken the United States. . On the other hand, the fragile economy of Western Europe, despite US aid under the Marshall Plan after World War II and the expansion of Soviet influence into the Western bloc, led the United States to make every effort to improve their economies and thus prevent the infiltration of ideas. Communists to these countries. One of the necessary tools for this purpose was cheap and high quality oil. Throughout its history, the United States has adopted different strategies depending on its global position. This change in strategy has been quite natural. From isolationism to globalism (internationalism); But what has always been constant is the nature of the strategies, all of which have been aimed at building economic empowerment, physical security, and value dissemination.

The United States's policy toward the national movement has been broadly divided into three periods: first, support for the nationalization of the oil industry; Second, friendly mediation in resolving disputes with Britain; and third, opposition to Mossadegh and the overthrow of the national government. The most important goals that the United States pursued during the nationalization of the oil industry were: 1-

1. PhD Student, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Political Science and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. mazaheri.hadi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Tabriz, Tabriz, Iran, (responsible Author) jnayebian@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Political Science and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. yousefijouybari@iaut.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

Preventing the instability of the oil market and ensuring the flow of oil exports to world markets 2- Preventing Iran from getting out of the orbit of the Western satellites and falling into the trap of communism And the Soviet :union: 3. Breaking the British oil monopoly and participating in Iranian oil The question in this study is what role does the United States play in the political crises of contemporary Iran, and especially the nationalization of the oil industry? The United States of America has played an important role in creating a crisis in contemporary Iran with its role in the coup d'état of 28 August and the nationalization of the oil industry and its domination of various aspects of the country.

Keywords: US foreign policy, the coup d'etat of 28 August, Iran policy, Mossadegh.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۰۶ - ۷۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۴

سیاست های ایالات متحده آمریکا در بحران های سیاسی ایران معاصر (با تأکید بر جریان ملی شدن صنعت نفت)

محمد هادی مظاهری تهرانی[۱]
جلیل نائبیان[۲]
محمدیوسفی جویباری[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

چکیده

اهمیت انرژی منطقه خلیج فارس و همچنین اهمیت استراتژیک و ژئوپولوتیک ایران برای رقابت با شوروی سابق اصلی ترین رقیب آمریکا در دنیای پس از جنگ باعث شد که ایران در کانون توجه آمریکا قرار بگیرد و از طرف دیگر شوروی نیز برای تضعیف آمریکا در پی وضع موجود بود. از سویی اقتصاد شکننده اروپای غربی علیرغم کمک های آمریکا تحت کوشش طرح مارشال پس از جنگ جهانی دوم و گسترش نفوذ شوروی به درون کشورهای بلوک غرب سبب شد که آمریکا تمام تلاش خود را به کارگیرد تا اقتصاد این کشورها رابهبود بخشد و بدین وسیله مانع ازنفوذ اندیشه های کمونیستی به این کشورها شود. یکی از ابزارهای لازم برای این منظور نفت ارزان و مرغوب بود. ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ خود استراتژیهاي متفاوت را با توجه به جایگاه جهانیاش اختیار کرده است. این تغییر استراتژي کاملاً طبیعي بوده است. از انزواگرایي تا جهان گرایي (بین الملل گرایی) ؛ اما آنچه همیشه ثابت بوده، ماهیت استراتژیها که جملگي هدفشان در راستاي ایجاد توانمندي اقتصادي، امنیت فیزیکي و اشاعه ارزشي بوده است.

سیاست ایالات متّحده را در قبال نهضت ملّی، بطور کلّی به سه دوره تقسیم کرده‌اند: اوّل، پشتیبانی از جنبش ملّی شدن صنعت نفت؛ دوّم، میانجیگری دوستانه در حل اختلافات با انگلستان؛ و سوّم، مخالفت با مصّدق و براندازی حکومت ملی. مهمترین اهدافی که امریکا در جریان ملی شدن صنعت نفت به دنبال آن بود عبارت بودند از: ۱-جلوگیری از بی ثباتی بازار نفت و تضمین جریان صدور نفت به بازارهای جهانی ۲-جلوگیری از خارج شدن ایران از مدار اقمار غرب و افتادن به دام کمونیسم و شوروی ۳-شکستن انحصار نفتی انگلستان و سهیم شدن در نفت ایران سؤال مورد نظر در این تحقیق این است که ایالات متحده آمریکا چه نقشی در بحران های سیاسی ایران معاصر و بالاخص جریان ملی شدن صنعت نفت دارد؟ ایالات متحده آمریکا با نقشی که در کودتای ۲۸ مرداد و ملی شدن صنعت نفت و سلطه بر شئون مختلف کشور داشت نقشی مهم را در بحران سازی در ایران معاصر دارد.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد، سیاست ایران، مصدق.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران mazaheri.hadi@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) jnayebian@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران yousefijouybari@iaut.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

مقدمه

درک و فهم رهبران آمریکا از محیط بین المللی در هزاره جدید به طرزی وسیع در چهارچوب ارزش دهنده فرهنگ سیاسی این کشور بازتاب یافته است. این به آن معنا است که برای اولین بار از زمان انتقال مرز تصمیم گیری از اروپا به آمریکا به طور وسیعی شاهد هستیم که سیاست خارجی گروگان ملاحظات داخلی گردیده است. اینکه چرا چنین دگرگونی گسترده در عملکرد خارجی رهبران آمریکا در دوران هژمونی این کشور حادث گردیده است به ضرورت باید توجه را معطوف به ماهیت ساختار نظام بین‌الملل کرد (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم به قدرتمندترین کشور جهان از جهات گوناگون سیاسی، اقتصادی و نظامی تبدیل شده بود، رقابت گسترده ای را با ابرقدرتهای پیشین به ویژه انگلیس آغاز کرده بود. گسترش روز افزون منافع امریکا در خاورمیانه هر روز بیشتر این کشور را به امور و مسائل خاورمیانه علاقه مند می-کرد و آنها حریصانه و مشتاقانه و در عین حال با نگرانی در صدد توسعه منابع نفتی خود در منطقه بودند. به طوری که دستیابی به نفت بیشتر در خاورمیانه به یکی از اهداف اساسی سیاست خارجی امریکا تبدیل شده بود.۳ از طرفی انگلیس بیشترین منافع را در خاورمیانه دارا بوده و درآمد سرشاری از نفت ایران حاصل این کشور می گردید. امریکا نیز نمی توانست نسبت به این سود سرشار بی تفاوت بماند و لذا خواهان سهیم شدن با انگلیس در این خوان نعمت بود. بنابراین حمایت اولیه این کشور از مصدق و فشارهایش بر انگلیس در جهت قبولاندن حضور پر رنگ خود در خاورمیانه به انگلیس بوده است. (رنجبر، ۱۳۸۳: ۴۵). به‌دنبال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران، آمریکا در مواجهه با انگلیس و ایران روشی دوگانه در پیش گرفت. در واقع دولت آمریکا یك استراتژی تغییر ناپذیر برای کسب سلطه بر منابع نفت و یك تاکتیك نرم و دو پهلو برای رسیدن به این هدف پیشه خود ساخت. از یك طرف با حمایت از عملیات دولت ایران، انگلیسی‌ها را تحت فشار قرار می‌داد و از طرف دیگر، با حمایت از پیشنهادهای انگلیس، ایران را از اهداف خود باز می‌داشت.

هرچند هدف اصلی آمریکا حمایت از نهضت ملی ایران نبود اما آن کشور با انگلستان نیز همراهی چندانی نداشت. ایالات متحده اصولا به هیچ وجه راضی نبود که تمام نفت ایران در اختیار انگلستان باقی بماند لذا سیاستی را در منطقه و ایران تعقیب می کرد که کنترل منابع نفتی منطقه را از دست انگلستان خارج کند. سیاستهای آمریکا از ابتدای ماجرای نفت تا پایان آن نیز موید همین واقعیت است. این دولت در اصل با سیاست دکتر مصدق و»ملی کردن صنعت نفت« مخالف بود. بدین معنی ایالات متحده هم

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

با سیاست نفتی انگلستان در ایران و هم با اصل ملی کردن صنعت نفت سازگاری نداشت. این کشور حتی در دوره مصدق اقداماتی از جمله مخالفت با مصدق انجام دادکه عامل تضعیف دولت وی گردید.

بعد از برکناری حکومت ملی دکتر مصدق و روی کار آمدن حکومت سرلشکر زاهدی و بروز بحران های سیاسی و اقتصادی بر اثر تحریم های اقتصادی کشور انگلستان و فشارهای سیاسی بین المللی؛ با سرکوب کردن مبارزه قهرمانانه ی ملت ایران زمینه آماده و مناسبی برای هرگونه مقاصد چپاول گرایانه استعمار گرایان آمریکایی و انگلیسی فراهم گردید. روشی که پژوهش حاضر را بر اساس آن انجام می‌دهیم، تحلیلی- توصیفی است بدین صورت که داده‌های مختلفی را که به طرق مختلف گردآوری کرده‌ایم، شرح می‌دهیم. سپس به تحلیل این اطلاعات پرداخته و از آن برای اثبات فرضیه مورد نظر در تحقیق، استفاده می‌نماییم. علاوه بر این می‌توان گفت این پژوهش روش تحلیلی- تاریخی دارد. روش تاریخی نحوه پیشبرد و پرداختن به مؤلفه‌های مورد بررسی موضوع را تعیین می‌کند و فعل و انفعلات در روابط دو کشور را که در گذشته و در یک مقطع زمانی اتفاق افتاده است، بررسی می‌کند. محقق در آن می‌کوشد از طریق گردآوری اطلاعات مربوط به موضوعی تاریخی و بررسی صحت و سقم آن اطلاعات و نیز تجزیه و تحلیل آن‌ها به کشف حقایق مربوط به آن موضوع دست پیدا کند.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

-پیشینه تحقیق

موسویان(۱۳۹۷)، درکتابی با عنوان ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی در سال ۱۳۹۷ نوشته است. این کتاب ترکیبی است از خاطره، تحلیل و جزییات هرگز گفته نشده‌ای که مانع برقراری روابط ایران و امریکا شده‌اند. کتابی از سفیر سابق ایران در آلمان و سخنگوی سابق تیم مذاکرات هسته‌ای که توجه سناتورهای امریکایی را به خود جلب کرده است؛ حتی حد فاصل رأی‌گیری برای بودجه سالانه، می‌توانستید این کتاب را روی میز سناتورها ببینید. الیزابت وارن، سناتور دموکرات از ایالت ماساچوست، کریس کونز سناتور ایالت دلور، و شرود براون سناتور ایالت اوهایو از جمله کسانی هستند که این کتاب را در صحن سنا خوانده و به همکاران خود توصیه کرده‌اند که برای اطلاع از رویکرد ایرانی‌ها به رابطه با امریکا، حتماً آن را بخوانند. کتاب مذکور نیز به تأثیر تحریمهای آمریکا بر توسعه ایران پرداخته نشده است.

گرت(۱۳۹۳)، ۱۳۹۳ کتابی با عنوان «بحران جعلی: قصه ناگفته از هراس هسته‌ای ایران ۱، حاوی اطلاعات جالبی از دروغ‌هایی است که در سال‌های اخیر مقامات آمریکایی، رژیم صهیونیستی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران گفته‌اند. نویسنده معتقد است که در واقعیت، آمریکا در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

اوایل سال ۱۹۸۳ به طور ستیزه‌جویانه مانع برنامه آشکار و قانونی ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای شد و این اقدام غیرقانونی و متجاوزانه آمریکا سبب شد که ایران برای دستیابی به فناوری مورد نیاز برای برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به مبادلات بازار سیاه بین‌المللی هسته‌ای روی بیاورد. در کتاب مذکور همچنین در مصاحبه با چند مقام سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افشا کرده که آژانس چگونه بر مبنای اسنادی که عمدتا از اسرائیل می‌رسید، گزارش‌های گمراه‌کننده‌ای درباره برنامه ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای منتشر کرده است.این کتاب همچنین از نحوه گزارش‌های نادرست آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) درباره برنامه هسته‌ای ایران، پرده برداشته است.

گاتشاک، گرین(۱۳۹۳)در کتابی به عنوان اسلام هراسی به مرور بر مجموعهای از کاریکاتورها و دسته بندی و تحلیل محتوای آنها، در کنار بازگویی واقعیات حیات مسلمانان امروز خواستهاند بر وضع جاری، که فراتر از سطح احزاب لیبرال یا محافظه کار تبدیل به مسئله ای ملی شده است، نقدی علمی داشته باشند. این اثر در ۵ فصل مروری بر رویارویی دنیای غرب با جهان اسلام، نمادهای اسلامی نمادهای قدرت، تلقی کلیشهای از مسلمانان و استقرار هنجار آمریکایی، مسلمانان افراطی و آمریکاییهای میانهرو و برههها تدوین شده است. بحث اصلی این کتاب اسلام به طور کلی است و تنها بر کشور ایران متمرکز نشده است.

احیایی(۱۳۸۲)،در کتاب با عنوان مستشاران آمریکایی در ایران به روایت، نویسنده که این کتاب را در ۵ فصل نوشته است به بررسی روابط بین دولتین ایران و آمریکا و پیشینهی تاریخی ورود آمریکائی ها به ایران و آغاز مناسبات دو کشور تا خروج آمریکائی ها از ایران در ۱۳۵۸ پرداخته است. این کتاب از حیث اهمیت تاثیر دولت آمریکا بر سیاست نظامی محمد رضا پهلوی مهم می باشد.

نجاتی(۱۳۸۹)، در کتابی با عنوان، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲جامع ترین و دقیقترین کتابی در نوع خود می باشد که بمنظور ارایه افتخارانگیزترین حماسهٔ ملت ایران برای نجات از پیچیده ترین زنجیرهای اسارت استیلاگران غربی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نوشته شده است. حماسه‌ای در اوج نهضت‌های ملی ما که با وجود شکست نهایی، بوجود آورنده پیروزهای بسیار ارزنده و سازنده بود. این قیام نه تنها تاریخ ایران بلکه تاریخ کشورهای استعمارزده چون مصر و الجزایر را ورق زد و تاریخ استعمار . اقتدار امپراطوری حلیه گر غارتگری را بصفحه آخر رساند.

یراوند(۱۳۹۲)، آبراهامیان در این کتاب به تحلیل تأثیرات متقابل سازمان های سیاسی و نیروهای اجتماعی ایران از سدهٔ نوزدهم میلادی تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ می پردازد.نیروهای اجتماعی را به

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

گروههای قومی و طبقات اجتماعی تقسیم می کند و با توجه به دستاوردهای جامعه شناسان تأثیرات نظامهای سیاسی بر نظام های اجتماعی را بررسی می کند. آبراهامیان کارش را با تبیین ساختار اجتماعی- سیاسی دورهٔ قاجار و علل و پیامدهای انقلاب مشروطیت آغاز می کند، با بررسی دورهٔ رضا شاه و سقوط او و سالهای بحرانی شهریور ۲۰ تا مرداد۱۳۳۲ ادامه می دهد و براین دوره، به ویژه تأثیر و تأثرهای نیروهای سیاسی تأکید می کند.

رنجبر(۱۳۸۳)در رقابت آمریکا و انگلیس در ایران و نهضت ملی شدن صنعت نفت نشان داد که بسیاری گمان می‌برند که در جریان ملی‌شدن صنعت نفت امریکا به طرفداری از ایران در مقابل انگلستان ایستاد و از منافع ملت ایران حمایت کرد، در حالی که با مطالعه تاریخ به خوبی درمی‌یابیم که امریکا خواستار منافع نفتی به سوی خود بود و گل‌آلودشدن آب او را به مقصود می‌رساند به همین خاطر هم پس از عدم تامین آنچه که می‌خواست به طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق دست زد.

علی سلیمانی(۱۳۹۰) در مقاله بررسی روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره نخست‌وزیری محمد مصدق نشان داد که تاریخ معاصر ایران بین سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ش./ ۱۹۵۳-۱۹۵۱م. به دلایل متعدد از اهمیت بسزایی برخوردار است. از جنبه‌های مهم این دوره، جنبش ملت ایران برای ملی شدن نفت و واکنش دولت ایالات متحده آمریکا در قبال آن است. این مقاله با تأکید بر منافع ملی آمریکا درصدد بررسی عواملی است که باعث تغییر رویکرد آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر مصدق گردید. برخلاف دیدگاه‌های رایج، به نظر نمی‌رسد هراس از قدرت روزافزون کمونیسم در ایران عامل اصلی تغییر سیاست آمریکا باشد، بلکه عامل اساسی در تغییر رویکرد این کشور نسبت به دولت دکتر مصدق، موقعیت سوق‌الجیشی ایران و سهیم شدن در منابع نفت بوده است.

سوری و رضا پور(۱۳۹۶) در مقاله پهلوی دوم و واکاوی سیاست خارجی آمریکا در دورهٔ ریاست جمهوری کارتر با تأکید بر مسألهٔ انقلاب در ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۵ش) نشان دادند که در اواخر سال ۱۳۵۵ش. دولت دموکرات کارتر بر سرکار آمد. کارتر سیاست دوگانه‌ای در برابر رژیم حاکم بر ایران تا زمان فروپاشی آن در پیش گرفت؛ از کاهش صدور تسلیحات نظامی و تأکید بر اجرای مقررات حقوق بشر تا تجدیدنظر و پیگیری برنامه‌های حمایتی و بن‌بست سیاسی رژیم با نیروهای انقلابی و حمایت از دولتی انتقالی. در مقالهٔ حاضر، با روش تحلیل محتوا، رویکرد خارجی دولت آمریکا در روند تحقق انقلاب ایران با تمرکز بر مسائل داخلی بررسی می‌شود. آمریکا علیرغم ترغیب ایران و حتی فشار سیاسی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

برای اجرای مقررات حقوق بشر تا اواخر سال ۱۳۵۶ش. در ظاهر به حمایت از حکومت ایران پرداخت و با بحرانی شدن اوضاع، خواهان روی کار آمدن دولتی متشکل از ملّیون شد؛ موضوعی که در تزلزل روانی شاه و هیئت حاکمه در اوج بحران‌ها نقش مؤثر داشت.

در مورد ابعاد مختلف سیاست های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مقالات بسیاری منتشر شده است. با این حال، بحث تاثیر این مهم، بر بحران های جمهوری اسلامی ایران در صحنه داخلی و منطقه ای از مباحثی است که مغفول واقع شده است. در این راستا، از آنجایی که این تحقیق درصدد تاثیرات ابعاد مختلف سیاست های آمریکا در راستای بحران سازی در ایران بالاخص در دوران ملی شدن صنعت نفت بوده است و دامنه آن نیز همچنان ادامه دارد، این مهم به عنوان جنبه ای جدید و در واقع نوعی نوآوری در این پژوهش محسوب می‌شود.

-چارچوب نظری:

الگوی سیاست خارجی(رویکرد تصمیم گیری):

تعریف تصمیم گیری: تعاریف متعددی برای تصمیم گیری ارائه شده است، کارل اندرسون تصمیم گیری را این گونه تعریف می کند" ساده ترین تعریف تصمیم گیری عبارت است از انتخاب یک راهکار از میان چند راهکار احتمالی که وجود دارد و اتخاذ یک راهکار به معنای پایان روند تصمیم گیری نیست بلکه هر تصمیمی با ظهور مسئله و مشکل فرایند خود را آغاز می کند و معمولا تصمیمی که گرفته می شود نمایشگر تفاوت بین وضع موجود و رسیدن به وضع دلخواه در آینده است. (Anderson Carl, 1988: 130) در این راستا تئوری تصمیم گیری برای یافتن و به کارگیری راه حلی که در هر زمان و مکان بهترین باشدو بر اساس مطلوب ذهنی مورد انتظار به انتخاب عقلایی برای رفع مشکل دست می زند. امروزه تصمیم گیری یکی از مهم ترین مباحث در عرصه ی تئوری پردازی و مفهوم سازی در سیاست خارجی می باشد. اگرچه ریشه های اصلی تئوری تصمیم گیری در اقتصاد و علم مدیریت بسط و گسترش یافته اند، اما دامنه ی این تئوری ها به مهم ترین عرصه ی تصمیمگیری سیاسی ، یعنی سیاست خارجی نیز کشیده شده است. به منظور فهم بهتر تئوری تصمیم گیری بهتر است ابتدا با تعریف مفاهیم تصمیم و تصمیم گیری آشنا شویم. تصمیمات، برون داد های ساختار سیاسی هستند که از طریق آن ها در داخل یک جامعه ارزش ها به نحو اقتدار آمیزی توزیع می شود. تصمیم گیری عمل گزینش میان راه حل های جایگزین یا بدیل های موجودی است که در موردِشان یقین و قطعیت نداریم. (دوئرتی، ۱۳۸۸: ۷۱۹)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

تصمیم گیری در سیاست خارجی(رهیافت تصمیم گیری): ارزیابی رفتار دولت ها بر پایه ی تصمیماتی که سیاستگذاران در زمینه های مختلف اتخاذ می کنند. بنابراین روش تصمیم گیری یکی از چهارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین الملل مورد توجه قرار می گیرد. (قوام، ۱۳۷۰: ۳۹) پس می توان گفت که تحلیل گران سیاسی با دو رویکرد سیستمی و رویکرد تصمیم گیری به بررسی مسائل می پردازند. رویکرد سیاست خارجی (الگوی تصمیم گیری) بر عملکرد سیاست گذاران و تصمیم گیران سیاسی در جریان بحران تاکید می کند و بحران در این الگو، مرحله ای از اختلاف می باشد که هالستی نشانه های بحران را از دید گاه تصمیم گیران ۱. احساس عظیم بودن تهدید ۲. محدودیت زمان پاسخگویی ۳. غافلگیری و ۴ . احساس ایجاد عواقب مصیبت بار به خاطر اقدام نکردن بیان می کند. (هالستی، ۱۳۷۳: ۶۱۴) در این مدل بر جنبه انسانی و روانشناختی در فرایند سیاست گذاری خارجی تاکید می شودو نقش فرد در تصمیم گیری مورد توجه متخصصان قرار می گیرد. قوام معتقد است تصمیم گیری در سیاست خارجی(رهیافت تصمیم گیری) ارزیابی رفتار دولت ها بر پایه ی تصمیماتی که سیاستگذاران در زمینه های مختلف اتخاذ می کنند. (قوام، ۱۳۸۶: ۱۲۸) در این راستا برچر نیز بیان می کند که در الگوی سیاست خارجی بر حالت ادراکی تصمیم گیرندگان در عالی ترین سطح ، مبنی بر وجود فشار یا فشارهایی که منشاء خارجی دارند تاکید می کند (برچر، ۱۳۸۲: ۵۲) و از آنجا که وضعیت بحرانی به تناسب شدت تهدید، تداوم زمان و درجه آگاهی با هم متفاوت هستند، هریک از سه عامل تعین کننده بحران (تهدید، زمان، غافگیری) ممکن است در حد غایی شدت و اهمیت ویا در پایین ترین حد قرا گیرند و به دسته بندی بحران ها اقدام شود (کاظمی، ۱۳۶۶: ۲۴)در اینجا نویسنده به تحلیل رفتار آمریکا در مدیریت نفتی می پردازد.

-مفهوم بحران :

یکی از مباحثی که ریشه در روابط بین الملل و مطالعات استراتژیک به ویژه در سالهای اخیر مورد توجه واقع شده است مبحثی است که اصطلاحا با عنوان بحران و مدیریت آن بیان می شود. تمامی محققان بر سر اینکه مدیریت بحران به کنترل دقیق مسائل سیاسی توسط نخبگان سطوح بالاتر ارتباط دارند اختلاف نظر دارند اما به نقش این نخبگان به عنوان عامل اصلی در کنترل بحران ها توجه می شود. واژه بحران نه فقط در قلمرو سیاست بلکه در علوم انسانی و اجتماعی و حتی علوم طبیعی و پایه نیز به فروانی به کار می رود. هر روز کاربرد آن را با عناوینی چون آلودگی هوا، بحران اعتصاب کارگران، بحران سوخت و انرژی، بحران مالی، بحران موادغذایی و... می بینیم و بحران در این موارد مفهومی خاص است که بر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

مصداق های عمومی اطلاق می شود و در این کاربردها بحران به معناهای متفاوتی مانند تهدید، مناقشه اختلاف، کمبود و... به کار می رود . در علوم سیاسی بحران یکی از پر استعمال ترین الفاظ می باشد و وقتی این واژه توسط دولتمردان به کار می رود بیشتر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم گیری آنها و فشارهای ناشی از آن بر دولت مردان به کار می رود بیشتر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم گیری آنها و فشارهای ناشی از آن بر دولتمردان می باشد. اما در متون و نظریات روابط بین الملل نیز بحران هم در سطح خرد (روابط بین کشورها) و هم در سطح کلان(بحران هایی نظام بین الملل و کل جامعه جهانی را درگیر می سازد) کاربرد دارد. و مفاهیمی چون تهدید، جنگ، فروپاشی، سقوط و...را در بر می گیرد(کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۳)

بی ثباتی سیاسی در یک کشور که عوامل مختلفی چون هرج و مرج، اعتصاب، شورش هـاي نظـامی، کودتاها، جنایات خشونت آمیز، قومیت گرایی در ایجاد آن نقش اصلی را ایفا می کننـد و مـی توانـد ضـمن ممانعت از رشد و توسعه فرهنگی، اقتصادي، اجتماعی و سیاسی یک کشور موجبات تأثیرگـذاري آن بـر کشورهاي منطقه از طریق مهاجرت، ناامنی مرزها، قاچاق، تشدید اختلافـات مـرزي فـراهم آورده و بـه نوعی ثبات سیاسی، اقتصادي، اجتماعی و در مجموع امنیت ملی کشورها را به مخاطره اندازد و بنـابراین می توان گفت که ثبات سیاسی یعنی توانایی یک پدیده سیاسی براي پشت سر گذاردن حوادث احتمالی و ممانعت از تحولاتی که هویت آن را تغییر می دهند. پس آن دسته از پیشامدهایی که ویژگـی هـاي یـک نظام سیاسی را تهدید می کنند و نظام مزبور توانایی مقابله با آن ها را ندارد موجبات بی ثباتی آن را فراهم می کنند.

بنابرای گستردگی و تنوع زیاد بحران باعث می شود که نتوان تعریف کامل و همه جانبه ازبحران ارائه داد و از آنجا که بحران یک مفهوم تعریفی و باز تعریفی است نه شناختی پس نسبی می باشد و نمی توان تعریف کلی و مطلق از آن ارائه داد برچر برای تحلیل بحران به نقش بازیگران و تاثیر پذیری بحران از ساختار نظام و یا مداخله نیروهای دیگردر بحران می پردازد(برچر، ۱۳۸۲: ۵۷) مهم ترین دغدغه هر حکومت و نظام سیاسی دست یابی به ثبات و امنیت پایدار است.ثبات سیاسی حکومت عبارت است از این که ماهیت نظام سیاسی علی‌رغم وجود برخی نوسان‌ها و گذر از بحران‌های مختلف، ثابت و پایدار باقی بماند. رهبران و مسئولان سیاسی در همه ی کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی شان را با گذشت زمان، جاودانه سازند. از سوی دیگر، هر نظام سیاسی پویا در تعامل با محیط داخلی و خارجی خویش، به ناچار درگیر تنش ها و بحران هایی می شود که اگر نتواند آنها را مدیریت نماید نظام سیاسی دچار بی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

ثباتی شده و امنیت آن به شدت در معرض تهدید قرار می گیرد. بی ثباتی سیاسی وضعیت و حالتی منبعث از تکرار وقایع و حوادثی خاص است که تداوم و پایداری یک حکومت یا دولت را مورد تهدید قرار داده یا به چالش می خواند. ثبات و بی ثباتی در هر کشوري رابطه اي مستقیم با مفهوم امنیت دارد. عده اي حتی در تعاریف خود امنیت و ثبات را یکسان تعریف نموده به گونـه اي کـه امنیت را به معنی رهایی از تهدیدات در قبال ارزش هاي بنیادین (هم براي افراد و هـم بـراي گـروه هـا) می دانند. (بیلیس و اسمیت، ۱۵۷ :۱۳۸۳)

در بحث مدیریت بحران با بروز حادثه و اتفاقات تصمیم گیراندگان سیاست خارجی با سه معیار زمان، غافلگیری و تهدید روبه رواند و با وجود جو متفاوت با استفاده از ابزار و تاکتیک های مناسب در راستای به دست آوردن نتایج منطقی تصمیم بگیرند.

-مقابله آمریکا با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بعد از انقلاب اسلامی:

اگر چه در جریان انقلاب اسلامی عضویت ایران در آژانس و پایبندی به (NPT) و قرارداد پادمان همچنان حفظ شد، اما برنامه‌های هسته‌ای به دلایلی همچون عدم تمایل دولت به ادامه فعالیت‌ها، سرباز زدن شرکت‌های خارجی از تکمیل نیروگاه‌ها بر مبنای قراردادها، آغاز جنگ تحمیلی و ... به دست فراموشی سپرده شد.

از دیدآمریکایی ها در صورت مجهز شدن ایران به سلاح اتمی، این کشور می تواند قدرت مسلط خاورمیانه شود، بازار نفت را بی ثبات کند و به سادگی کشورهای تولدی کننده نفت را تهدید کند. امریکایی ها از این موضوع در هراسند که ایران با توان اتمی می تواند به نیروهای ضد آمریکایی ها در منطقه ، بدون واهمه از واکنش آمریکا یاری رساندو نگرانی عمده دیگر امریکا درباره متحدین عرب آمریکاست که می تواند بی ثباتی این رژیم ها و شکل دهی رژیم های تحت نفوذ ایران را در پی داشته باشد(موسویان، ۳۰۲ :۱۳۹۴).

آمریکا به چند دلیل مخالف توسعه هسته ای ایران است.درحالی که نگرانی های اسرائیل عامل اصلی آمریکا و این دلیل نفوذ اسرائیل بر اتخاذ استراتژی اصلی آمریکا در خاورمیانه است، امریکا بیشتر به دلیل منابع انرژی منطقه نگران است که اهمیت اقتصادی و امنیتی فراوانی برای آن دارد. این عامل در تفکر استراتژیک ایالات متحده حداقل از سال های دهه ۱۳۲۰ به بعد جایگاه اصلی را داشته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

-رابطه آمریکا و ایران از سال ۱۹۷۹- ۱۹۹۰

سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم همواره از سیاست همکاری با قدرت‌های غربی تا سیاست بی طرفی و حتی رویارویی در نوسان بود. سیاست خارجی ایران در دوران جنگ سرد تحت تأثیر شرایط موجود در آن قرار گرفت و به این ترتیت به متحد استراتژیک آمریکا تبدیل شد، واشنگتن امیدوار بود که ایران بتواند جلوی نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه را بگیرد، اما این ائتلاف راهبردی دیری نپایید و رژیم وابسته شاه در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م.) توسط مردم ایران در روند انقلاب اسلامی سرنگون شد و به این ترتیب جمهوری اسلامی بنیان نهاده شد، از آن هنگام تاکنون ایران و آمریکا روابط سرد، پر از تنش و خصمانه‌ای را سپری کرده‌اند(سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

در حال حاضر موانع عمده ای که در روابط ایران و آمریکا وجود دارد عبارتنداز:

در حال حاضر با حل مسئله ی هسته ای و توافق صورت گرفته بین ایران و ۵+۱ در چارچوب معاهده ی برجام، مسئله ی هسته ای که مهم ترین بعد اختلاف ایران و آمریکا در طی سال های اخیر بوده است، تا حدودی حل شده است.

سیاست آمریکا همواره در جهتی سیر می‌کرده است که به دنبال تضعیف و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شکاف میان دولت و ملت ایران بوده است. طبیعی است که پیش شرط اولیه برقراری ارتباط در سطح دو دولت این است که دو طرف موجودیت یکدیگر را به رسمیت بشناسند. و به اصول و ارزش‌های یکدیگر احترام بگذارند. با توجه به اینکه آمریکا همواره تغییر رژیم در ایران را در دستور کار خود داشته است و حتی برای عملیات براندازی و تبلیغات برای سرنگونی رژیم از طریق راه‌اندازی کانال‌های تلویزیونی فارسی زبان، بودجه‌ای اختصاص داده است، باید گفت تا زمانی که تغییر رژیم در ایران مدنظر آمریکا باشد، برقراری روابط در سطح دولت‌ها به واقعیت نخواهد پیوست. البته نقش لابی یهود در ایجاد این ذهنیت در میان دولتمردان آمریکایی بسیار مؤثر بوده است، به گونه‌ای که لابی یهود در ایالات متحده توانسته است مواضع اسرائیل را به عنوان مواضع رسمی ایالات متحده بقبولاند. منافع ملی اسرائیل همواره ایجاب می‌کرده است که عادی‌سازی روابط ایران با آمریکا به دلیل رویکرد ایران نسبت به اسرائیل صورت نپذیرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روابط ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی گردید و به سرعت رو به تیرگی نهاد و با ماجرای اشغال سفارت آمریکا در تهران به طور کامل قطع گردید. دراین ماجرا (به نظر عده ای) ایرانیان با یادآوری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر آن شدند تا با اشغال سفارت، آمریکا را فلج سازند تا

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

نتواند یک طرح کودتای دیگر را به اجرا گذارد. علاوه بر این عوامل دیگری همچون رفتار آمریکایی ها در قبل از انقلاب، در هنگام وقوع آن و در کل ذهنیت تاریخی - روانی ایرانیان از سیاست های آمریکا در ایران در اشغال سفارت این کشور دخیل می باشد. در پی اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری کارکنان سفارت این کشور، بحرانی در روابط دو کشور به وجود آمد. (زیباکلام، ۱۳۸۱: ۲۱۵)

در ابتدای انقلاب اسلامی ایران، رابطه آمریکا به لحاظ رسمی با ایران قطع شد. سفارتخانه‌ها تعطیل گردید و دو کشور در مقابل یک‌دیگر قرار گرفتند به نحوی که مخالفت با یک‌دیگر از شکل رفتاری، به یک هدف تبدیل گردید. ایالات متحده به همراهی برخی از کشورهای اروپایی در ابتدا از راه کمک به عراق و راه‌اندازی جنگ، تحریم‌های اقتصادی و کمک به مخالفان ایران سعی کرد ایران را محدود، منزوی، خنثی و براندازی کند. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم بسیاری از بنیان‌های پژوهشی و دانشگاه‌هایی چون «استنفورد، کالیفرنیا، هاروارد، رند، هریتیج و...» به سیاستمداران آمریکایی پیام دادند که باید دیپلماسی خود را به سمت عمومی شدن در قبال ایران حرکت دهند.

- رابطه آمریکا و ایران از سال ۱۹۹۰- ۲۰۰۱

پس از جنگ ایران و عراق و تغییرات شگرف سیستم دو قطبی بین المللی و فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) و جنگ آمریکا و عراق در ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) و پی آمدهای منطقه ای آن و نیز توامان بودن این رخدادها با تغییر رهبری سیاسی در آمریکا از جرج بوش به بیل کلینتون، در نوامبر ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، سیاست مهار دوجانبه به عنوان یکی از منظم ترین و پیچیده ترین سیاست سنتی آمریکا در منطقه خلیج فارس که مبتنی بر ایجاد تعادل قوا در قالبی استراتژیک بین ایران و عراق بود، تکرار الگوی مهار شوروی در دوران جنگ سرد را به عنوان اصلی ترین دستور العمل استراتژیک غرب برای مقابله با ایران توصیه کرد. (سجادپور، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

طی سالهای پایانی دهه ۱۹۹۰ اعلام شد، سیاست مهار در مقابل ایران و عراق با شکست انجامیده است. شاهد محکم بر این ادعا را باید در وقوع برخی از تحولات از جمله حمله آمریکا به عراق در اوائل سال ۲۰۰۳ و تهدید ایران در صورت عدم تغییر سیاست ها و خط مشی به حمله نظامی جستجو کرد. با تغییر ریاست جمهوری آمریکا و روی کار آمدن جمهوری خواهان به پشتوانه نو محافظه کاران، عادی سازی روابط آمریکا با ایران با مخالفت مواجه گردید و شیوهٔ جدیدی از خصومت علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. نو محافظه کاران به فشارهای سنگین از بیرون و حمایت علنی از گروههای معاند و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

معارض در داخل و خارج و حتی حمله نظامی علیه ایران برای تغییر رژیم جممهوری اسلامی ایران معتقدند. زیرا که به اعتقاد آنها سیاست های گذشته آمریکا علیه ایران در ۲۵ سال گذشته نتوانسته بود، رفتار این کشور را تغییر دهد. (زهرانی، ۱۳۸۱: ۹۲)

قطع مناسبات میان ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا خصومت‌های میان دو کشور به صورت مشکلی پایدار باقی بماند و با گذشت سه دهه از آن، سیاست‌مداران آمریکایی، از ابزارهای گوناگونی برای تغییر رفتار ایران استفاده کنند. آمریکا همواره در رابطه با چهار موضوع مخالفت ایران با رفتار و سیاست‌های اسرائیل در منطقه و تلاش برای تسلط بر منطقه خاورمیانه، حمایت از گروه‌های تروریستی، وضعیت حقوق بشر و تلاش برای دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای، از ایران انتقاد کرده است. دولت‌های آمریکا از زمان جیمی کارتر تاکنون همواره تأکید زیادی بر تغییر رفتار ایران در چهار زمینه فوق داشته‌اند و بر این اساس، آمریکا مجموعه‌ای از سیاست‌های خصمانه، از بلوکه کردن اموال و دارائی‌های ایران در آمریکا گرفته تا تحریم‌های گوناگون اقتصادی علیه حکومت ایران را به منظور تغییر رفتار سیاسی و حتی تغییر حکومت ایران دنبال کرده است. علاوه بر این مسائل، نارضایتی‌های دیرینه تاریخی، ناشی از دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، به عنوان عاملی تهدید کننده از سوی ایران مطرح شده‌اند. با این حال، مقام‌های آمریکایی نمی‌توانند اهمیت قابل ملاحظه ایران را در منطقه خاورمیانه و جهان منکر شوند. بنابراین، به دنبال آن هستند تا با مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ابزارها با ایران برخورد کنند تا کم‌ترین هزینه را برای آنها در پی داشته باشد و در مقابل اهداف سیاسی آنها را در قبال ایران تأمین نماید. (احدی، ۱۳۸۷: ۱)

یک پایه مهم دولتمردی، همیشه فهم سیاست بیرون از مرزها بوده است. دولتمردان بزرگ تاریخ، آنان بوده اند که میان واقعیات داخل مرزها و تحولات بیرون تعادل ایجاد کرده اند. هالستی، سیاست خارجی را تحلیل اقدامات یک دولت در محیط خارجی و شرایط داخلی مؤثر در تعیین اقدامات مزبور میداند. سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا از بنیان‌ها و دکترین‌های مختلفی که در طول دو قرن گذشته شکل گرفته، تشکیل شده است. مکتب هامیلتونیسم، مکتب جکسونیسم، مکتب ویلسونیسم. دکترین‌های سیاست خارجی آمریکا نیز عبارتاند از: دکترین مونروئه؛ مقابله با مداخله اروپاییان در نیمکره غربی و نفی مداخله در مناقشات اروپایی، دکترین روزولت؛ تأکید بر حق مداخله ایالات متحده آمریکا در نیمکره غربی با هدف حفاظت از منافع سیاسی و اقتصادی این کشور، دکترین ترومن؛ حمایت از کشورهای یونان و ترکیه در مقابل خطر کمونیسم، نخستین نظریه مداخله جویانه در خارج از نیمکره غربی و دکترین آیزنهاور (هالستی، ۱۳۷۲: ۳۲).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

بسیاری از صاحب نظران نقطه آغاز دخالت های گسترده و تاثیرگذار امریکا در امور داخلی ایران را وقایع منتهی به کودتای ۲۸ مرداد میدانند. این واقعه زمینه دخالتهای بیشتر امریکا در مسایل ایران طی سالهای بعد را فراهم ساخت. حکومت آیزنهاور به عنوان بخشی از استراتژی خود مبنی بر تقویت حکومتهای ضد شوروی در پیرامون چین و شوروی و دیگر نقاط جهان سوم، در اواسط دهه ۱۳۴۰ دست به تلاش گستردهای برای آموزش و تجهیز نیروهای شبه نظامی، پلیس و سازمانهای اطلاعاتی در کشورهای دوست آمریکا در جهان سوم، از جمله در ایران زد. در ایران، سه سازمان که با امنیت داخلی سر و کار داشتند، کمکهای شایان توجهی از این دست دریافت کردند: ژاندارمری، شهربانی و دستگاه اطلاعاتی که در اواخر سال ۱۳۳۲ زیر نظر تیمور بختیار تاسیس و پس از مدت کوتاهی به ساواک تبدیل شد. (گازیوروسکی، ۱۳۷۱، ۳۹). در تمامی سالهای پس از کودتای ۱۳۳۲ تا سقوط شاه در سال ۱۳۵۷ حمایتهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی امریکا از شاه موجبات سیطره کامل امریکا بر شئون مختلف کشور را فراهم کرده بود. از لحاظ سیاسی به دلیل وابستگی سیاستگذاران کشور به امریکا، فرایند تصمیمگیری در رژیم شاه در هر دو حوزه داخلی و خارجی منطبق با ملاحظات و مطالبات امریکا به انجام میرسید و بسیاری از تصمیمات کشور با نظر مستقیم امریکاییها اتخاذ می شد. این وضعیت حاکمیت و سلطه امریکا را بر شئون مختلف کشور بهدنبال داشت(امیری، ۱۳۷۹، ۳).

در مورد ابعاد مختلف سیاست های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مقالات بسیاری منتشر شده است. با این حال، بحث تاثیر این مهم، بر بحران های جمهوری اسلامی ایران در صحنه داخلی و منطقه ای از مباحثی است که مغفول واقع شده است. در این راستا، از آنجایی که این تحقیق درصدد تاثیرات ابعاد مختلف سیاست های آمریکا در راستای بحران سازی در ایران بالاخص در دوران ملی شدن صنعت نفت بوده است و دامنه آن نیز همچنان ادامه دارد، این مهم به عنوان جنبه ای جدید و در واقع نوعی نوآوری در این پژوهش محسوب می‌شود.

-تحریم ها و واکنش های ایارن به آمریکا:

نزدیک به دو دهه است که هدف سیاست خارجی آمریکا محدود کردن توسعه اقتصادی ایران پس از انقلاب بوده است. در سال‌های اخیر، این سیاست به طور انتخابی صنعت نفت ایران را هدف قرار داده و مشارکت شرکت‌های غیرآمریکایی را در پروژه‌های نفتی ایران محدود کرده است. تحریم های موجود آمریکا در تاریخ ایران پس از انقلاب، کلیه تجارت ایران و آمریکا را خاتمه داده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

ایران که توسط بسیاری به عنوان سرسخت‌ترین دولت ضدآمریکایی در خاورمیانه تلقی می‌شود، بدون شک یکی از مشکل‌سازترین کشورها برای هر دولت ایالات متحده از سال ۱۹۷۹ بوده است. پیش از این، ایران نزدیک‌ترین متحد آمریکا در خلیج فارس محسوب می‌شد. اما پس از انقلاب اسلامی، روابط دو کشور بیشتر با گروگانگیری، رویارویی نظامی و تبادل اتهامات تند توصیف شده است.

اخیراً روابط اقتصادی دو کشور به دلیل مجموعه ای از تحریم های تجاری و سرمایه گذاری که به طور جدی کلیه فعالیت های اقتصادی بین دو کشور را با مشکل مواجه کرده است، بیشتر متشنج شده است. انبوه تحریم های اعمال شده علیه ایران در دو دهه گذشته نیز در شکل دادن به سیاست تجارت بین المللی ایران و مشارکت های اقتصادی نوظهور این کشور در منطقه موثر بوده است.

سال‌های پس از انقلاب ایران را می‌توان به چهار دوره زمانی متمایز تقسیم کرد: ۱) سال‌های انقلاب و جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷: این دوره به دلیل بی‌ثباتی پس از انقلاب و ویرانی‌های ناشی از جنگ، برای اقتصاد ایران دشوار بود. با کشور همسایه عراق همچنین دوره‌ای است که طی آن گروگان‌های آمریکایی در سفارت آمریکا در تهران گروگان گرفته می‌شوند، و بنابراین با وضعیت انزوای سیاسی و اقتصادی مشخص می‌شود که با تحریم‌های تجاری متعدد تسهیل می‌شود. ۲) عصر بازسازی پس از جنگ، ۱۹۸۹-۱۹۹۲: اقتصاد ایران بر بازیابی قابلیت های تولید داخلی از دست رفته در طول جنگ ایران و عراق متمرکز شد: جذب فناوری و سرمایه گذاری های بین المللی، تقویت مشارکت های خارجی برای توسعه زیرساخت های کشور، و کاهش محدودیت های واردات. ایالات متحده تحریم های تجاری نیز در این دوره کاهش یافت. ۳) محدودیت دوگانه و تجدید تحریم های تجاری، ۱۹۹۳-۱۹۹۵: از سال ۱۹۹۳، دولت کلینتون مجموعه ای از اقدامات بازرگانی محدودکننده را علیه ایران به عنوان بخشی از استراتژی مهار دوگانه با هدف محدود کردن توسعه اقتصادی عراق و ایران اعمال کرد. در این دوره، ایران از طریق مجموعه ای از توافقات بلندمدت اقتصادی دوجانبه و سه جانبه، مشارکت های منطقه ای خود را تقویت کرد. ۴) تحریم های سرمایه گذاری ایران و لیبی (۱۹۹۶ تا کنون): در سال ۱۹۹۶، محدودیت دوگانه تمرکز بر ایران را از طریق اجرای تحریم های ایران و لیبی تغییر داد. تحریم‌ها شرکت‌های غیرآمریکایی را که در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند محدود می‌کند و در نتیجه قوانین ایالات متحده را فراتر از مرزهای آمریکا گسترش می‌دهد. اگرچه تحریم ها باعث کاهش موقت سرمایه گذاری خارجی در ایران شد. آنها حمایت بین المللی کمی پیدا کرده اند. ماهیت فراسرزمینی تحریم‌های ایران و لیبی اخیراً توسط شرکت‌هایی در اروپا و خاور دور به چالش کشیده شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

در هر یک از دوره های زمانی فوق، اقدامات سیاستی ایران به موضوعات و اهداف خاصی پرداخته است. به عنوان مثال، در سال‌های جنگ ایران و عراق، ایران بر تنوع بخشیدن به مسیرهای تجاری بین‌المللی خود تاکید زیادی داشت تا اتکا به تامین‌کنندگان غربی را کاهش دهد. با این حال، پس از پایان جنگ در سال ۱۹۸۸ و بی ثباتی بازارهای بین المللی نفت در اواسط دهه ۱۹۸۰، گسترش صادرات غیرنفتی به هدف اصلی تبدیل شد.

از اوایل دهه ۱۹۹۰ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران بر توسعه مشارکت های اقتصادی منطقه ای، نه تنها با جمهوری های شوروی سابق در شمال نزدیک، بلکه با همسایگان شرق و غرب تمرکز کرده است. چنین مشارکت های بلندمدتی نیز در سال های اخیر به عنوان ابزاری برای مقابله با تحریم های سرمایه گذاری ایالات متحده که به طور خاص صنعت نفت ایران را هدف قرار می دهد، حیاتی شده است.

سیاست اقتصادی آمریکا در قبال ایران بر اساس نزدیک به دو دهه تنش عمیق دیپلماتیک بین دو کشور استوار است. تحریم‌های اقتصادی ناشی از تاریخ، ایران را تشویق به توسعه استراتژی‌هایی برای متنوع‌سازی مسیرهای تجاری، یافتن شرکای اقتصادی جدید و کاهش وابستگی به درآمدهای صادراتی نفت کرده است. تأثیرات استراتژی تنوع بخشی ایران در واقع بی چون و چرا بوده است. در سال ۱۳۵۳ هفت کشور ۷۰ درصد واردات و صادرات ایران را به خود اختصاص دادند. بیست سال بعد – تا سال ۱۹۹۴ – در مجموع ۱۴ کشور ۷۰ درصد تجارت بین‌المللی ایران را به خود اختصاص دادند و هفت شریک تجاری برتر ایران تنها نیمی از کل واردات ایران را به خود اختصاص دادند.

تشدید تحریم های تجاری و سرمایه گذاری از اوایل دهه ۱۹۹۰ به طور قابل توجهی بر ماهیت رقابت بین المللی برای تجارت ایرانی تأثیر گذاشته است. با این حال، تأثیرات تحریم های تجاری و سرمایه گذاری بیشتر توسط شرکت های آمریکایی نسبت به شرکت های غیر آمریکایی احساس شده است. این در درجه اول به دلیل دشواری عملی اجرای قوانین ایالات متحده در خارج از مرزهای ایالات متحده است، و در نتیجه، در موارد متعدد، تجارت قابل توجهی به شرکت‌های غیرآمریکایی از دست رفته است که از شرایط تحریم مصون هستند. بوئینگ، کونوکو و بریتیش پترولیوم آمریکا نمونه های برجسته ای هستند.

در سال ۱۹۹۳، دولت ایالات متحده درخواست بوئینگ را برای فروش هواپیماهای غیرنظامی ایران مورد نیاز برای توسعه سطح عملیات ایران ایر رد کرد. تا آن زمان، بیشتر ناوگان ایران ایر را بوئینگ ها تشکیل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

می دادند و ایران ایر در سال قبل برای خرید ۱۶ فروند بوئینگ ۷۳۷-۴۰۰ مذاکره کرده بود. در نتیجه این امتناع، بوئینگ قرارداد ۹۰۰ میلیون دلاری خود را از دست داد و ایران ایر از آن زمان هواپیماهایی را از کنسرسیوم هوافضای اروپایی ایر باس خریداری کرده است. به طور مشابه، در سال ۱۹۹۳ BP Ameri-ca در مورد فروش یک کارخانه کود شیمیایی با ایران مذاکره کرده بود. این فروش توسط دولت به این دلیل ممنوع شد که این فناوری ممکن است ماهیت دو منظوره داشته باشد و منجر به ضرر ۱۰۰ میلیون دلاری فروش BP America شود.

بیشترین ضرری که در مورد تحریم‌ها علیه ایران منتشر شده، شرکت کونوکو، یکی از شرکت‌های تابعه دوپون بوده است. کونوکو و شرکت ملی نفت ایران در اوایل سال ۱۹۹۵ با قراردادی ۶۰۰ میلیون دلاری برای توسعه دو میدان نفتی و گازی فراساحلی ایران موافقت کردند. با این حال، کونوکو به دلیل فشارهای دولت و تحریم های بعدی سرمایه گذاری مجبور به خروج از قرارداد شد. این راه را برای توتال فرانسه باز کرد که از آن زمان کار روی این پروژه را آغاز کرده است. توتال همچنین با مشارکت در سرمایه گذاری جداگانه ۲۰۰۰ میلیون دلاری در ایران با مشارکت شرکت های روسی و مالزیایی، آخرین دور تحریم های سرمایه گذاری را به چالش کشیده است.

اذعان به این نکته مهم است که سیاست اقتصادی ایالات متحده در مورد ایران دسترسی ایران به فناوری، منابع و منابع مالی غربی را به طرز محسوسی محدود کرده است. این سیاست همچنین به وضعیت سخت اقتصادی کمک کرده است که با نرخ بالای تورم و بیکاری و کاهش ارزش پول ایران منعکس شده است. با این حال، آنچه در مورد وضعیت کنونی تحریم‌ها بیش از همه قابل توجه است این است که علیرغم ماهیت شدید آنها، آنها در عمل نتوانسته‌اند به هدف اصلی خود یعنی توقف دخالت بین‌المللی در صنعت نفت ایران دست یابند. صنعت نفت ایران در حال بازسازی و توسعه است. میادین نفت و گاز ایران نیاز به نگهداری و توسعه مناسب دارند و ظرفیت پالایش نفت باید افزایش یابد تا بتواند با تقاضای رو به رشد داخلی همگام شود.

در همین حال، نقض تحریم‌ها توسط شرکت‌هایی از اروپا و خاور دور، عمدتاً به دلیل اقدامات تلافی جویانه بالقوه که می‌تواند با مجازات شرکت‌های متخلف منتج شود، بدون چالش باقی مانده است. بنابراین، در حالی که تحریم‌های موجود شرکت‌های آمریکایی را از رقابت در ایران منع کرده است، به وضوح فرصت‌های تجاری قابل توجهی را برای شرکت‌های غیرآمریکایی فعال در صنعت پرسود نفت ایران نشان می‌دهد.(Hooman Estelami,2012: 3-9)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

-سیاست خارجی امریکا

ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ خود استراتژي¬هاي متفاوت را با توجه به جایگاه جهاني خود اختیار کرده است. این تغییر استراتژي کاملاً طبیعي بوده است. از انزواگرایي تا بین¬الملل¬گرایي؛ اما آنچه همیشه ثابت بوده، ماهیت استراتژي¬ها که جملگي هدفشان در راستاي ایجاد توانمندي اقتصادي، امنیت فیزیکي و اشاعه ارزشي بوده است. آمریکا امروزه استراژي مبارزه با تروریسم را دنبال مي¬کند که با توجه به شرایط جهاني و دگرگوني در ارزیابي منافع ملي جایگزین استراتژي سد نفوذ شده است.

درک و فهم رهبران آمریکا از محیط بین¬المللی در هزاره جدید به طرزی وسیع در چهارچوب ارزش دهنده فرهنگ سیاسی این کشور بازتاب یافته است. این به آن معنا است که برای اولین بار از زمان انتقال مرز تصمیم گیری از اروپا به آمریکا به طور وسیعی شاهد هستیم که سیاست خارجی گروگان ملاحظات داخلی گردیده است. اینکه چرا چنین دگرگونی گسترده در عملکرد خارجی رهبران آمریکا در دوران هژمونی این کشور حادث گردیده است به ضرورت باید توجه را معطوف به ماهیت ساختار نظام بین¬الملل کرد. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

به‌دنبال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران، آمریکا در مواجهه با انگلیس و ایران روشی دوگانه در پیش گرفت. در واقع دولت آمریکا یك استراتژی تغییر ناپذیر برای کسب سلطه بر منابع نفت و یك تاکتیك نرم و دوپهلو برای رسیدن به این هدف پیشه خود ساخت. از یك طرف با حمایت از عملیات دولت ایران، انگلیسی‌ها را تحت فشار قرار می‌داد و از طرف دیگر، با حمایت از پیشنهادهای انگلیس، ایران را از اهداف خود باز می‌داشت.

هرچند هدف اصلی آمریکا حمایت از نهضت ملی ایران نبود اما آن کشور با انگلستان نیز همراهی چندانی نداشت. ایالات متحده اصولا به هیچ وجه راضی نبود که تمام نفت ایران در اختیار انگلستان باقی بماند لذا سیاستی را در منطقه و ایران تعقیب می کرد که کنترل منابع نفتی منطقه را از دست انگلستان خارج کند. سیاستهای آمریکا از ابتدای ماجرای نفت تا پایان آن نیز موید همین واقعیت است. این دولت در اصل با سیاست دکتر مصدق و»ملی کردن صنعت نفت« مخالف بود. بدین معنی ایالات متحده هم با سیاست نفتی انگلستان در ایران و هم با اصل ملی کردن صنعت نفت سازگاری نداشت. این کشور حتی در دوره مصدق اقداماتی از جمله مخالفت با مصدق انجام دادکه عامل تضعیف دولت وی گردید.

بعد از برکناری حکومت ملی دکتر مصدق و روی کار آمدن حکومت سرلشکر زاهدی و بروز بحران های سیاسی و اقتصادی بر اثر تحریم های اقتصادی کشور انگلستان و فشارهای سیاسی بین المللی؛

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

با سرکوب کردن مبارزه قهرمانانه ی ملت ایران زمینه آماده و مناسبی برای هرگونه مقاصد چپاول گرایانه استعمار گرایان آمریکایی و انگلیسی فراهم گردید.

سرانجام کنسرسیومی متشکل از ۵ شرکت آمریکایی : استاندارد نیوجرسی/ استاندارد کالیفرنیا/ سوکونی واکیوم/ گلف/ شرکت نفت تگزاس با ۴۰ درصد سهام)هرکدام هشت درصد) و شرکت نفت ایران و انگلیس سابق (برتیش پترولیوم) و شرکت هلندی رویال داچ شل با ۱۴ درصد سهام (۴۰ درصد سهام این شرکت از آن شرکت نفت ایران و انگلیس بود). و نهایتا شرکت نفت فرانسوی با ۶ درصد بر اساس نظریات ۲ کشوراستعمار گر آمریکا و انگلیس تشکیل گردید. سرانجام قرارداد کنسرسیوم با دولت ایران در ۱۷ مهر ماه ۱۳۳۳ در دوره ۱۸ مجلس شورای ملی به ریاست سردار فاخرحکمت تشکیل جلسه می دهد و زاهدی نخست وزیر علی امینی وزیر دارایی و تنی چند از وزیران کابینه در مجلس حضور می یابند و اندر فواید این قرارداد سخنرانی میکند. نهایتا در ۲۲مهر ۱۳۳۳همانگونه که هاوارد پیج نماینده ی غول های نفتی گفته بود بدون کم و کاست به تصویب می رسد و در ۶ آبان ماه همان سال از تصویب مجلس سنا میگذرد. بدین طریق استعمارگران آمریکایی و انگلیسی صاحب پیروزی بزرگ خود میشوند. ولی آمریکا و انگلیس در ایران چه کاشتند و چه برداشتند؟

باد کاشتند و طوفان درو کردند. سرانجام با پایان دوران ۲۵ ساله ی قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۷۹ و با پیروزی انقلاب اسلامی به سلطه ی تمامی سلطه گرایان خاتمه داده شد.)نائبیان. (۴۷۱-۱۳۷۸:۴۸۳

در نگاهی به گذشته، ایالات متحده از کودتا حمایت کرددر ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یک رویداد مهم در تاریخ جهان پس از جنگ مطرح شده است

دولت نخست وزیر محمد مصدق که در کودتا سرنگون شد، آخرین دولت مردمی و دموکراتیک بود که در ایران به قدرت رسید.رژیمی که جایگزین آن شد، دیکتاتوری بود که همه اشکال فعالیت سیاسی مردمی را سرکوب کرد و تنش هایی را ایجاد کرد که به انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ایران کمک زیادی کرد. اگر مصدق سرنگون نمی شد، ممکن بود انقلاب نمی شد. کودتای سال ۱۹۵۳ همچنین اولین استفاده از اقدامات مخفیانه ایالات متحده در زمان صلح برای سرنگونی یک دولت خارجی بود. به این ترتیب، این یک سابقه مهم برای رویدادهایی مانند کودتای ۱۹۵۴ در گواتمالا و سرنگونی سالوادور آلنده در شیلی در سال ۱۹۷۳ بود و ایالات متحده را به هدف اصلی انقلاب ایران تبدیل کرد.

ارتش ایران با حمایت و کمک مالی دولت ایالات متحده، دولت نخست وزیر محمد مصدق را سرنگون می کند و شاه ایران را بر سر کار می آورد. ایران تا زمانی که یک انقلاب به حکومت شاه در سال

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

۱۹۷۹ پایان داد ، متحد ثابت جنگ سرد ایالات متحده باقی ماند.مصدق در سال ۱۹۵۱ زمانی که به سمت نخست وزیری منصوب شد در ایران به شهرت رسید. مصدق که یک ملی‌گرای تند بود، بلافاصله حملات خود را به شرکت‌های نفتی بریتانیایی که در کشورش فعال بودند آغاز کرد و خواستار سلب مالکیت و ملی‌سازی میادین نفتی شد. اقدامات او او را با نخبگان طرفدار غرب ایران و شاه، محمدرضا پهلوی، درگیر کرد. در واقع، شاه در اواسط سال ۱۹۵۲ مصدق را برکنار کرد، اما شورش‌های عمومی گسترده در محکومیت این اقدام، شاه را مجبور کرد تا مدت کوتاهی بعد، مصدق را به قدرت برگرداند. مقامات آمریکایی وقایع ایران را با شک و تردید فزاینده تماشا کردند. منابع اطلاعاتی بریتانیا با همکاری سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، به این نتیجه رسیدند که مصدق تمایلات کمونیستی دارد و اگر اجازه داده شود در قدرت بماند، ایران را به مدار شوروی منتقل خواهد کرد. (Mohammad Mosad-deq and the, 2004: 6-12)

سیا و اطلاعات بریتانیا با همکاری شاه، شروع به طراحی نقشه ای برای سرنگونی مصدق کردند. اما نخست‌وزیر ایران از این طرح استقبال کرد و هواداران خود را به اعتراض به خیابان‌ها فراخواند. در این مرحله شاه به دلایل پزشکی کشور را ترک کرد.درحالی که اطلاعات بریتانیا از این شکست عقب نشینی کرد. سیا به عملیات مخفیانه خود در ایران ادامه داد سیا با همکاری با نیروهای طرفدار شاه و مهمتر از همه، ارتش ایران، با شوخی، تهدید و رشوه به نفوذ خود کمک کرد و به سازماندهی کودتای دیگری علیه مصدق کمک کرد. در ۱۹ اوت ۱۹۵۳، ارتش با حمایت اعتراضات خیابانی سازماندهی شده و تامین مالی شده توسط سیا، مصدق را سرنگون کرد. شاه به سرعت بازگشت و قدرت را در دست گرفت و به پاس کمک های آمریکا، بیش از ۴۰ درصد از میادین نفتی ایران را به شرکت های آمریکایی امضا کرد.

مصدق دستگیر شد، سه سال در زندان گذراند و در سال ۱۹۶۷ در حبس خانگی درگذشت. شاه به یکی از متحدان مورد اعتماد آمریکا در جنگ سرد تبدیل شد و کمک های اقتصادی و نظامی ایالات متحده در دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ایران سرازیر شد. اما در سال ۱۹۷۸ اعتراضات ضد شاه و ضد آمریکایی در ایران آغاز شد و شاه در سال ۱۹۷۹ از قدرت سرنگون شد. مبارزان سفارت ایالات متحده را تصرف کردند و کارکنان آمریکایی را تا ژانویه ۱۹۸۱ گروگان گرفتند . ثابت شد که ناسیونالیسم، نه کمونیسم جدی ترین تهدید برای قدرت آمریکا در ایران (History.com Editors,2009: 2-9)

وزرای امورخارجه انگلیس و امریکا در ۱۶ اسفند ۶/۱۳۳۱ مارس ۱۹۵۳ در لندن ملاقات کردند و با انتشار بیانیه‌ای بر این مطلب تأکید نمودند که هر دو دولت از طرح لویی هندرسن، سفیر امریکا در تهران،

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

که تسلیم دکتر مصدق شده است و سهم ایران را در تمام مراحل کشف، استخراج، تصفیه و فروش نفت به طور عادلانه رعایت خواهد کرد، پشتیبانی خواهند کرد. این بیانیه در واقع اتمام حجت دو دولت علیه ایران تلقی می‌شد که باز هم به خاطر نقض منافع ملّی ایران، مصدق آن را رد کرد. اورل هریمن، فرستادهٔ ویژه رئیس‌جمهوری امریکا (هری ترومن)، به عنوان میانجی بی‌طرف به تهران وارد شد. او در سر راه خود در پاریس با وزیر امور دارایی انگلیس نیز ملاقات کرد. هریمن در مذاکراتش با دکتر مصدق به صراحت اعلام کرد چون دولت ایران با تصرف اموال، املاک و تجهیزات شرکت نفت انگلیس و ایران، اقدام غیرقانونی انجام داده است، قانون مصوب مجلس قانون مصادره بوده است نه قانون ملّی شدن. این در حالی بود که در متن قانون ملّی شدن صنعت نفت آمده بود که دولت ایران کلیه ضرر و زیان شرکت را پرداخت خواهد کرد

توطئه سیا که به عنوان عملیات آژاکس شناخته می شود، در نهایت درباره نفت بود. شرکت‌های غربی برای دهه‌ها ثروت نفتی منطقه را کنترل می‌کردند، چه شرکت نفت عربی-آمریکایی در عربستان سعودی و چه شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران. هنگامی که شرکت آمریکایی در عربستان سعودی در اواخر سال ۱۹۵۰ در برابر فشارها سر فرود آورد و موافقت کرد که درآمدهای نفتی خود را به طور مساوی با ریاض تقسیم کند، امتیاز بریتانیا در ایران برای پیروی از آن تحت فشار شدید قرار گرفت. اما لندن قاطعانه امتناع کرد. تحریم اقتصادی و به‌ویژه تحریم خرید نفت ایران و تحریم همکاری فنّی با این کشور در عملیات استخراج از دیگر فشارهای انگلیس بر دولت دکتر مصدق بود که امریکا نیز آنها را پذیرفت؛ زیرا تقریباً آخرین پیشنهاد امریکا را که عبارت بود از تقسیم سود ۵۰ ــ ۵۰ (سیستم fifty. fifty) میان انگلیس و ایران، دکتر مصدق به دلیل مغایرت آن با چهارچوب قانون ملّی‌شدن صنعت نفت رد کرد. امریکا، به منظور جبران کمبود نفت ایران در بازارهای جهانی، تولید داخلی و نیز تولید کمپانی‌های نفتی خود در ظهران عربستان و کویت را افزایش داد. این اقدام ضربهٔ سنگینی به اقتصاد و سیاست ایران وارد کرد(Iranian Political Developments, 2002)

-رویکرد آمریکا در قبال ایران بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

اسلام سیاسی با محوریت و مرکزیت انقلاب اسلامی ایران یکی از منابع مهم و الهام بخش برای مخالفت‌های آمریکا با ایران است. بحران یازدهم سپتامبر باعث شد تا آمریکا بتواند از طریق اشغال نظامی افغانستان و عراق دست به محاصره فیزیکی ایران بزند. اما همین اشغال یک جنبه پارادوکس گونه داراست، چرا که همزمان با اشغال عراق زمینه راهبردی قدرت یافتن بیش از صد و چهل میلیون جمعیت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

شیعه منطقه با رهبری جمهوری اسلامی ایران فراهم آمد (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷, ۲۲۲-۱۹۸).

این در حالی است که باید در خاطر داشته باشیم دیدگاه باز و عمیق اسلام شیعه با دیدگاه مبتنی بر تفسیر سلفی از اسلام و قرآن سنخیتی ندارد و ایرانیان شیعه و شیعیان عراق نیز خود اولین قربانی این افراطی گری اسلام سلفی هستند، اما دولت آمریکا اصرار دارد تا ایران را رهبر تروریسم در منطقه و در سطح نظام بین الملل معرفی کند و به این ترتیب آن را منزوی و محدود کند. دولتمردان و سیاستگزاران آمریکا ریشه تروریسم در خاورمیانه را بنیادگرایی اسلامی- ایرانی می‌بینند .

نکته پارادوکس گونه دیگر در مورد آمریکا، تلاش آن برای تسریع در روند دموکراسی سازی، سکولاریسم، ملی‌گرایی و ارزش‌های لیبرال است. علیرغم همه این تلاش‌ها شاهد هستیم که روند انتخابات در کشورهای افغانستان، عراق، فلسطین و... تاکنون باعث قدرت گرفتن هر چه بیشتر اسلام گرایان شده است. باید توجه داشته باشیم که حتی اگر اسلام گرایان مبارزه خواهی مستقیم با آمریکا را کنار بگذارند اما هرگز حاضر به استقبال و پذیرش سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه به ویژه حمایت بی‌قید و شرط آن از تل آویو نخواهند شد (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۹، ۹۷-۸۶).

علاوه بر این انگاره ذهنی منفی، موضوع توانایی‌های هسته‌ای ایران، روابط تهران واشنگتن را هر چه بیشتر بحرانی کرده است. ایران از دیدگاه آمریکایی‌ها، رهبر اسلام گرایی در جهان است، اما باید توجه داشته باشیم که تلاش آمریکا برای دموکراسی سازی به اسلام گرایی هر چه بیشتری منجر شده است. در مورد ایران هسته‌ای، دولت آمریکا با اعمال سیاست‌های ایران هراسی، ائتلافی بین غرب، اعراب و اسرائیل علیه ایران به وجود آورده است، اگر چه این ائتلاف به ویژه با حضور اسرائیل در آن تا حدودی شکننده به نظر می رسد، اما رسالت آن روشن است و آن بازدارندگی و مهار ایران است. دولت آمریکا از راهکارهای سخت و نرم در راه بازدارندگی و مهار ایران استفاده کرده است، هدف آمریکا انتقال تسلیحات به متحدان خود در منطقه و نیز ارائه کمک‌های اقتصادی استراتژیک به آن‌هاست. انتقال تسلیحات به خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۰۴م. تاکنون، یعنی سال‌هایی که گفتمان تهدید ایران اوج گرفته و ایران هراسی در منطقه رایج شده است، به میزان سی و هشت درصد نسبت به سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۳م. رشد داشته است. طی این سال‌ها سی و چهار درصد کل تسلیحات انتقال یافته به خاورمیانه راهی کشور امارات متحده عربی شده است، به گونه‌ای که امارات به سومین خریدار بزرگ تسلیحات در دنیا تبدیل شده است. از نگاه دیگر، در راستای تحقق موازنه سخت، تحرکات نظامی عمدتاً به شکل مانورهای نظامی در منطقه و علیه ایران برگزار شده است. آمریکا وارد دو جنگ در همسایگی ایران شده که از پیامدهای آن تنگ تر شدن حلقه محاصره

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

ایران است. بحث حمله اسرائیل به ایران و تکرار پیوسته این سخن که «گزینه نظامی همچنان روی میز قرار دارد» در همین راستا قابل تفسیر است.

تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی به عنوان مهمترین شاخصه‌های فشار علیه ایران در حد وسیعی به کار گرفته شده است و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل چه بطور مستقیم و چه بوسیله لابی صهیونیستی و اعراب در این زمینه ایفای نقش کرده‌اند. در همین چارچوب آمریکا، اسرائیل و بازیگران دیگری مانند چین، هند و روسیه را به دلیل همکاری استراتژیک با ایران تحت فشار قرار داده‌اند . (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷، ۹۹).

سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا تا مدت‌ها معطوف به حمایت و پشتیبانی از حکومت‌های اقتدارگرا اما هم پیمان و حافظ منافع واشنگتن در منطقه بود. حفظ ثبات، به عنوان محور اصلی این رویکرد، شاکله کلی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را تشکیل می‌داد. با تقویت و تحرک بیشتر گرایش‌های ضد آمریکایی و وقوع حملات ۱۱ سپتامبر در خاک آمریکا، سیاستمداران کاخ سفید به سمت اتخاذ رویکرد امنیتی بجای حفظ ثبات در منطقه تغییر جهت دادند.

خاورمیانه با داشتن منابع غنی انرژی از یک سو و موقعیت خاص ژئوپولتیک از سوی دیگر، حوزه منفعتی غیر قابل اغماضی برای قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شود. این در حالی است که خاورمیانه نه تنها با نظم سیاسی، اقتصادی آمریکا هماهنگی ندارد بلکه به شدت پتانسیل مقاومت و مقابله را دارد. حوادثی از قبیل رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور اتباع سعودی در آن و احیای افراط‌گرایی دینی در منطقه، نمایانگر تضاد منفعتی و امنیتی قدرت آمریکا و منطقه خاورمیانه است. از این‌رو، پی‌گیری اصلاحات سیاسی در راستای اصول دموکراتیک به منظور استقرار نظم سیاسی مطلوب و اصلاحات اقتصادی در راستای نظم اقتصادی لیبرال و بازار آزاد به منظور استقرار نظم اقتصادی مطلوب در دستور کار سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا قرار گرفت.

اسلام سیاسی و تروریسم به خصوص پس از حملات ۱۱ سپتامبر، به عنوان دو عامل اساسی، آمریکا را بیش از پیش به سمت توجه به ضرورت اصلاحات در خاورمیانه سوق داد. آمریکا اسلام سیاسی و تروریسم را از عوامل اصلی تهدید امنیت و منافع خود تلقی می‌کند و بر این اساس درصدد است تا با باز کردن فضای سیاسی و بهبود شرایط اقتصادی در کشورهایی که به لحاظ فکری و حمایت مالی خاستگاه چنین حرکت‌های رادیکالی محسوب می‌شوند، ریشه افراط‌گرایی را بخشکاند. به عبارت دیگر، اسلام سیاسی و تروریسم در خاورمیانه از علل و همچنین از اهداف سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا تلقی می‌شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

شرایط به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر این فرصت را در اختیار نومحافظه‌کاران قرار داد تا در راستای عملیاتی نمودن موارد ذیل تلاش کنند:

دشمن جدید و خطر بالفعلی را برای طراحی و اجرای راهبرد کلان امنیت ملی ایالات متحده آمریکا معرفی کنند. با اتخاذ یک رویکردی آفندی - امپراطوری براساس اجبار ـ اجماع ـ اقناع و با استفاده از نیروهای مسلح، نظم لیبرالیستی بین‌المللی را در راهبرد کلان امنیت ملی آمریکا نهادینه کنند. استیلا و برتری علی الاطلاق ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های نظامی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی را برای دهه‌های متوالی در نظام بین‌الملل در قالب مقابله با تهدید فاشیسم و تروریسم اسلامی تضمین کنند. تسلط بر منابع اصلی انرژی نفت و گاز به عنوان منابع اولیه ثروت و قدرت در قرن ۲۱ را تضمین و با رقبایی که با استفاده از این منابع قصد چالشگری را دارند، به شکل پیشدستانه مقابله کنند. عوامل مخل امنیت در اوائل قرن ۲۱ در قالب چالشگری ملل، اقوام و ادیان به لحاظ کمی و کیفی افزایش خواهند یافت. تغییر در الگوهای آموزشی، ابزارها و ساختارها براساس رهیافت و راهبردی نوین ضروری خواهد بود. یکی از وظایف نیروهای مسلح آمریکا در قرن ۲۱ ثبات‌سازی و استقرار نظم و امنیت به مفهوم فراگیر آن خواهد بود.(واعظی، ۱۳۸۶، ۴۸)

بطور خلاصه دلایل آمریکا برای مبادرت به تغییر رفتار در قبال ایران در برگیرنده یک سری عوامل می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از اینکه انقلاب ایران منافع آمریکا در خاورمیانه را با چالش¬های جدی روبه¬رو ساخته است، سرنگونی صدام وزنه تعادل قدرت در منطقه را به نفع ایران تغییر داده است، توانمندی اتمی به طور کامل سبب تفوق ایران بر سایر کشورهای منطقه خواهد شد، ایران هسته¬ای دشواری‌های بسیاری را برای اسرائیل و ادامه حضور آمریکا در منطقه ایجاد خواهد کرد، ایران همچنان الهام‌بخش اصلی گسترش اسلام سیاسی در منطقه است. بر این اساس، ایالات متحده آمریکا در مرحله نخست به دنبال تغییر مواضع و در مرحله دوم به دنبال ایجاد بازدارندگی جدید در برابر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (منفرد، ۱۳۹۱: ۳)

تحریم ها را می توان به دو نوع تحریم های خصوصی و بین المللی تقسیم کرد. تحریم های بین المللی در واقع همان تحریم‌های دولتی است که در مقابل تحریم های خصوصی قرار می گیرد. گاهی تحریم ممکن است توسط افراد، گروهها یا تشکیلات غیردولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش یا حتی دولت متبوع خود این افراد به انجام رفتار مشخصی صورت گیرد که از حوزه مورد نظر این تحقیق، خارج است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

اصولاً یکی از فنون مؤثر و کارآمد در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدفها و تأمین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک است. در این راستا دولت استفاده کننده از این حربه‌ها سعی می‌کند دولتهای دیگر را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کند، به گونه‌ای که دگرگونیهای حاصل از داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد. بهره گیری از این حربه‌ها به عصر کنونی روابط بین‌الملل منحصر نیست بلکه در گذشته نیز دولتها سعی کرده‌اند از این طریق، دیگران را به تسلیم در مقابل خواسته‌های خود وادار کنند.

در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸و در ادامه دور سوم تحریمها علیه ایران قطعنامۀ ۱۸۳۵ را علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد. در این قطعنامه که دارای چهار بند است تنها نسبت به قطعنامه های قبلی تاکید شده است. قطعنامه ۱۸۳۵: شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۳۵خود ضمن اشاره به گزارش جدید محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از عدم تعلیق غنی سازی اورانیوم ایران سخن گفته بود، از ایران خواست تا به صورت کامل و بدون هیچ تاخیری به قطعنامه‌های پیشین این شورا و نیز درخواست‌های شورای حکام آژانس در تعلیق برنامه هسته‌ای خود عمل کند. (Mohammad Mosaddeq and the, 2004: 5-9)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

نتیجه گیری

کودتای «۲۸ مرداد» که به تاریخ فارسی معروف است، نقطه عطفی برای ایران، خاورمیانه و جایگاه آمریکا در منطقه بود. عملیات مشترک ایالات متحده و بریتانیا به تلاش ایران برای اعمال کنترل حاکمیتی بر منابع خود پایان داد و به پایان بخشیدن به فصل پر جنب و جوش در تاریخ جنبش های ملی گرایانه و دموکراتیک این کشور کمک کرد. این پیامدها در سالهای بعد با تأثیرات چشمگیری طنین انداز شد.

تداوم و فرجام ، حیات سیاسي ایران طي یکصد سال اخیر به نحو شگرفي به تولید و صدور نفت پیوند خورده است. موقعیت انرژیك ایران و مکانیسم پیچیدة مدیریت این صنعت در سطح ملي و بین‌المللي موجب پدیداري فصل خاصي در حیات سیاسي ایرانیان گردید که ایرانی ها و غیرایرانی ها هر دو نقش مهمی در موفقیت کودتا داشتند. سیا با کمک اطلاعات بریتانیا، این عملیات را برنامه ریزی، تأمین مالی و اجرا کرد. زمانی که توطئه در مراحل اولیه به طور کامل از هم پاشید، عوامل ایالات متحده در زمین ابتکار عمل را به دست گرفتند، برنامه ها را با شرایط جدید تطبیق دادند و همکاران ایرانی خود را برای ادامه دادن تحت فشار قرار دادند. علاوه بر این، بایکوت نفت به رهبری بریتانیا، با حمایت ایالات متحده، به علاوه طیف گسترده ای از فشارهای سیاسی مداوم توسط هر دو دولت علیه مصدق، که به یک کمپین تبلیغاتی مخفی گسترده در ماه های منتهی به کودتا به اوج خود رسید، به ایجاد فضای لازم برای کودتا کمک کرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان یکي از قطب تعیین‌کننده اقتصادي و تجاري دنیا در طول ۲ دهه پس از انقلاب اسلامي، ایران را همواره مورد تحریم و تحدید قرار داده است و از آنجایي که وقوع انقلاب اسلامي بسیاري از معادلات امنیتي منطقه را متأثر ساخته بود امریکا از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸.م بسیاری از پست‌های حساس ارتش ایران را در دست مستشاران خود قرار داده بود. در میان مستشاران امریکایی که در براندازی دولت مصدق شرکت کرده بودند، ژنرال نورمن شوارتسکف از همه بیشتر سهیم بود. وی، که رئیس سابق پلیس ایالت نیوجرسی بود، از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۰.م به عنوان مستشار در ژاندارمری ایران خدمت می‌کرد و از کسانی بود که در عملیات کودتا سهم بسزایی داشت. وی نخستین کسی بود که طرح آژاکس را برای بررسی به ایران آورد و با محمدرضاشاه در میان گذاشت. پس از آنکه کوشش‌های سیا و «اینتلیجنت سرویس» انگلیس برای برقراری ارتباط مستقیم با شاه به وسیله اشرف پهلوی به نتیجه رسید، شوارتسکف به تهران اعزام گردید. وی از اوّل مرداد به بهانة سفر جهانگردی و بازدید از دوستان قدیمی ایرانی خود به تهران وارد شد و محرمانه با شاه ملاقات کرد و او را از پشتیبانی کامل امریکا و انگلیس در براندازی مصدق مطمئن ساخت و از شاه خواست که با کرمیت روزولت همکاری کند آنچه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد و مسئله تسلط بر بازار نفت ایران اهمیت استراتژیک داشت، بازیگری دو پهلوی امریکاییان بود؛ به‌ویژه در دورهٔ ترومن که حتی اصل ملّی کردن صنعت نفت را حق ملّی اعلام کرد. امّا از زمان آیزنهاور سیاست خارجی خشن امریکا به بهانه مبارزه با کمونیسم به کلی جانب انگلیس را گرفت، درحالی‌که با مهرهٔ انگلیس وارد بازی شد تا خود انگلیس را مات کند و به دوران تسلط انحصاری بریتانیا بر بازار نفت ایران خاتمه دهد. کودتای ۲۸ مرداد دیوار بلندی از بدگمانی و تاریکی میان ملّت ایران و امریکا ایجاد کرد که هنوز این سوءظن در اذهان عمومی ملّت ما وجود دارد. امّا به‌هرحال اصل ملّی شدن صنعت نفت اجرا شد؛ هرچند کنسرسیوم خود نیز نوع دیگری از سلطهٔ اقتصادی بر ملّت ایران بود

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

منابع

-احیایی، زینب(۱۳۸۲)، مستشاران آمریکائی در ایران به روایت اسناد،انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

-احدی، افسانه (۱۳۸۷)، سیاست های خاورمیانه ای آمریکا و نظریه ظهور نقش منطقه ای ایران، مجله پژوهش نامه سیاست خارجی، شهریور.

برچر، مایکل و جانات ویلکنفلند(۱۳۸۲)، بحران، تعارض و بی ثباتی، ترجمه علی صبحدل. تهران.

-بیلیس، جان و اسمیت، استیو،(۱۳۸۳)جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه ها، ساختارها و فرآیندها، جلد ۱، ترجمه: ابولاسم راه چمنی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران

-پورتر، گرت(۱۳۹۳)، بحران جعلی: قصه ناگفته از هراس هسته‌ای ایران ، ترجمه شده توسط: معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس

- دهشیار ، حسین، کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، سیاست خارجی ۱۳۸۶ شماره ۸۴.

زهرائی، مصطفی(۱۳۸۱)، ابعاد و پیامدهاي پایان عصر نفت از کشورهاي یاغي تا محور اهریمني: مهار تا حمله پیشگیرانه، روابط خارجی، شماره ۶.

رنجبر، احمد(۱۳۸۳)، جایگاه رئیس جمهور در رژیم های سیاسی مختلف، مجلس و پژوهش سال یازدهم زمستان ۱۳۸۳ شماره ۴۶

- سیمبر، رضا ، رحم دل، رضا (۱۳۸۹)، مهسا فلاح. دوره ۹، شماره ۳۶ ، اسفند ۱۳۹۵، ، صفحه ۸۷-۱۰۶

-سجاد پور، سید محمد کاظم(۱۳۷۶)، نقش و جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا، سیاست خارجی بهار، سال یازدهم، شماره۱.

-سلیمانی، علی(۱۳۹۰)، بررسی روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره نخست‌وزیری محمد مصدق، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره پیاپی ۴۸، مهرماه.

-سوری، ایرج، رضاپور، مهدی(۱۳۹۶)، پهلوی دوم و واکاوی سیاست خارجی آمریکا در دورهٔ ریاست جمهوری کارتر با تأکید بر مسألهٔ انقلاب در ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۵ش)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، پاییز.

-سیمبر، رضا، قربانی، سعید(۱۳۸۷)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران،نشریه دانش سیاسی، شماره پیاپی ۱۲.

-قوام، عبدالعلی(۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ اول، تهران: سمت.

- کاظمی، سید علی اصغر(۱۳۶۶)، مدیریت بحران های بین المللی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

-گاتشاک، پیتر، گرین، گابریل(۱۳۹۳)، اسلام هراسی، ترجمه شده توسط: حسین علیزاده، انتشارات سروش

-موسویان، سیدحسین(۱۳۹۷)، ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی، انتشارات تیسا، چاپ سوم.

-منفرد، قاسم(۱۳۹۱)، نئوجکسونیسم؛ الگوی سیاست خارجی امریکا در دوران دونالد ترامپ،، فصلنامه بین المللی ژئوپلتیک، دوره ۱۵، شماره ۵۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]

-موسویان، حسین(۱۳۹۴)، کتاب ایران و ایالات متحده: نگاهی از درون گذشته‌ای شکست‌خورده و مسیر آشتی، انتشارات تیسا، چاپ ۲.

-نجاتی، غلامرضا(۱۳۸۹)، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، انتشارات شرکت سهامی.
-نائبیان، جلیل(۱۳۷۸)، پژوهش در مسائل سیاسي تاريخي نفت در ایران ، تهران : ثاراللە ۱۳۷۸.
-واعظی، محمود (۱۳۸۶)، روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز.
- هالستی، کی. جی(۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
-یرواند، آبراهامیان (۱۳۹۲)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه : گل محمدی، احمد، فتاحی، محمد ابراهیم، انتشارات نی .

- Anderson Carl. R (1988). Management: skils, functions, and oryganizatim performance, Allyn. & Bacon. Inc, 2nd ed.

-History.com Editors)2009), The coup, with the help of the CIA, overthrew the Iranian government, A&E Television Networks, November 13, 2009.

-Hooman Estelami (2012)A Study of Iran s Responses to U.S. Economic Sanctions: https://ciaotest-cc-columbia-edu.translate.goog/olj/meria/meria99_esh0

-"Iranian Political Developments from the End of March to the Overthrow of the Mosadeq Regime(2002)," October 28: https://www.history.com/this-day-in-history/cia-assisted-coup-overthrows-government-of-iran

-Mohammad Mosaddeq and the(2004), Edited by Mark J. Gasiorowski and Malcolm Byrne, 1953 A Joint U.S.-British Regime-Change Operation in 1953 that Holds Lessons for Today, New Documents Shed Further Light on Secret U.S. Policy Coup in Iran

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۴

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

مظاهری تهرانی ، محمد هادی؛ نائبیان، جلیل؛ جویباری، محمدیوسفی (۱۴۰۱)، «سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در بحران‌های سیاسی ایران معاصر(با تأکید بر جریان ملی شدن صنعت نفت)» فصلنامۀ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۰۶-۷۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.4.9]